

بررسی جامع عملکرد شورای فرهنگی دانشگاه‌های دولتی در سال ۱۳۸۵

دکتر غلامرضا خواجه سروی*

مهدی خانجانی**

سعید غیائی ندوشن***

چکیده

شورای فرهنگی به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین رکن سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در دانشگاه‌ها از نقش و اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. این مقاله، به بررسی ماهیت و عملکرد شورای فرهنگی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور در سال ۱۳۸۵ پرداخته است. دستیابی به تصویری واقع‌نما از وضعیت موجود در حوزه فرهنگی، وضعیت‌سنجی جلسات تشکیل شده و آگاهی از کمیت و کیفیت مصوبات، همچنین رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بر اساس عملکرد شوراها از جمله اهداف این مطالعه می‌باشد. این مطالعه به صورت تحلیل محتوا انجام شده که واحد تحلیل آن صورت‌جلسات ارسالی تمام دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور است. مصوبات شوراها در ۱۶ مقوله دسته‌بندی شده‌اند و عملکرد شورای فرهنگی هر دانشگاه به صورت جداگانه محاسبه و رتبه هر دانشگاه مشخص شده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، دانشگاه، شورای فرهنگی

* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی (مسئول مکاتبات)

** کارشناس ارشد روان‌شناسی و کارشناس معاونت فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

*** کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و رئیس گروه برنامه‌ریزی راهبردی دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مقدمه

در جهان کنونی تنوع و گوناگونی انتظارات از دانشگاه روز به روز در حال افزایش است. به انقیاد درآوردن آینده، تسلط بر رویدادها و توانمندسازی جامعه برای روبه‌رو شدن با ناشناخته‌ها از جمله رسالت‌ها و رویکردهای دانشگاه‌های جدید است. علاوه بر این، دانشگاه‌ها، کشف، دسته‌بندی و تحلیل مسائل اجتماعی و ارائه راه‌حل برای توسعه و رفاه جامعه را در دستور کار خود قرار داده‌اند؛ بدین ترتیب، دانشگاه علاوه بر تولید و انتقال دانش، به حفظ و ارتقای میراث فرهنگی و معنوی جامعه، آینده‌نگری و تولید نرم‌افزارهای تغییر اجتماعی و درونی کردن هنجارهای مدرن پرداخته است. از دو دهه گذشته تا به حال، اهمیت نگاه اقتصادی به دانشگاه‌ها تا حدودی کاهش یافته و به همین میزان نگاه فرهنگی - اجتماعی به آن، افزایش یافته است. از طرفی نباید از نظر دور داشت که کارکردهای جامعه‌نگرانه دانشگاه در جوامع در حال گذار از اهمیت مضاعفی برخوردار است؛ زیرا کشورهای توسعه‌نیافته برای نیل به هدف‌های توسعه، پیش از پیش به ابزارهای لازم برای تحول همه‌جانبه نیازمندند و برای مواجهه با فرهنگ‌های مسلط و نیروهای ضد توسعه از دانشگاهیان انتظار کمک دارند (یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۸۲).

در مدل‌های توسعه برون‌زا، وظیفه دانشگاه ارائه آموزش‌های اقتباسی است؛ اما نگاه جدید به توسعه، مستلزم تحول در ساختار فرهنگی و اجتماعی، بینش‌ها و روش‌ها و در نهایت ظهور یک پویا همه‌جانبه اجتماعی است که دانشگاه هسته پیش‌تاز آن تلقی می‌شود. در چنین شرایطی، دانشگاه، فلسفه اجتماعی مساعد توسعه را مهیا می‌کند، و در کنار آموزش و پژوهش، رسالت‌هایی همچون پاسداری از سنن علمی، حفظ و ارتقای میراث فرهنگی و هنری، هدایت جریان توسعه و آماده‌سازی جامعه برای مواجهه با تغییرات اجتماعی در شمار رسالت‌های رسمی دانشگاه قرار گرفته است (یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۸۲).

کارکرد و نقش دانشگاه در جامعه

دانشگاه‌ها از گران‌بهارترین ذخایری شناخته می‌شوند که هر جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد. امروزه، این مراکز در سطح جهان به لحاظ دارا بودن دانش، فن و نقش بسیار مؤثر در جریان اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری انسان‌ها، از اعتبار زیادی برخوردارند و از عوامل عمده دگرگونی اجتماعی و تبدیل ارزش‌ها به هنجار اجتماعی محسوب می‌شوند. نهادهای آموزشی به‌طور عام و دانشگاه‌ها به‌طور خاص، بر جامعه همچون افراد آثار عمیقی می‌گذارند و از لحاظ اجتماعی، بسیج و کاربری منابع انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که خود سبب رشد و توسعه فراگیر در آن جامعه می‌شوند (فکوهی، ۱۳۸۲). دانشگاه مانند هر سازمان اجتماعی دیگر، دارای کارکردهای خاص اجتماعی است. مهم‌ترین کارکردهای این نهاد می‌توان به کارکردهای پژوهشی،

آموزشی، خدماتی و فرهنگی اشاره کرد. کارکرد پژوهشی و آموزشی دانشگاه، تولید، اشاعه و آموزش دانش، تربیت نیروهای متخصص و کارآمد در حوزه‌های متنوع علمی و پژوهشی و توسعه دانایی و توانایی است و کارکرد خدماتی آن، ارائه خدمات مستقیم و غیرمستقیم به جامعه است. در زمینه کارکرد فرهنگی دانشگاه، می‌توان از توسعه و اعتلای فرهنگی جامعه، غنابخشی فرهنگ عمومی برای رشد و توسعه فرهنگ علمی، حفظ، انتقال و بازاندیشی سنت‌ها و میراث فرهنگی گذشته و تجدید حیات جامعه نام برد.

یکی از عناصر اساسی هر جامعه که دارای ابعاد فرهنگی-اجتماعی است، نظام ارزشی آن جامعه است. نظام ارزشی هر جامعه مجموعه‌ای از الگوهای ثابت سازمان‌یافته است که باید‌ها و هنجارها را در رفتارهای افراد تعیین کرده و توقعات و انتظارات منطقی افراد و گروه‌ها را از یکدیگر مشخص می‌سازد.

نظام ارزشی هر جامعه معمولاً روی نهادهای مختلف اجتماعی نقش مسلط و غالب دارد؛ زیرا در طول زمان، شکل‌گیری و توسعه این نهادها متأثر از نظام ارزشی جامعه بوده است. از آنجا که افکار عمومی و توده‌های مردم از نظام ارزش‌های اجتماعی جامعه حمایت می‌کنند، همسویی نهادهای اجتماعی با نظام ارزشی ضرورت پیدا می‌کند (کوش، ۱۳۸۱).

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی به عنوان نهادهایی که بخش عمده‌ای از تغذیه فرهنگی جامعه از سوی آنها صورت می‌گیرد؛ منبعث و متأثر از نظام ارزشی جامعه هستند. با اینکه نظام ارزشی جامعه بر روی دانشگاه مانند سایر نهادهای اجتماعی نقش مسلط دارد، ولی به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر برنامه‌های دانشگاه قرار می‌گیرد؛ به همین سبب گاهی اوقات تغییراتی در نظام ارزشی و فرهنگی جامعه به وجود می‌آید که سرچشمه آن از دانشگاه‌هاست. در اغلب تغییر و تحولاتی که در جوامع روی می‌دهد، دانشگاه‌ها نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. امروزه دانشگاه‌ها باید نوجوانان و جوانان را برای تغییرات و دگرگونی‌های مداوم در جهان سراسر در حال تحول آماده کنند و نه تنها به رسالت علمی و فنی بلکه به رسالت فرهنگی خود (با توجه به ساخت اجتماعی در فرهنگ بومی) عمل کنند.

اهمیت و ضرورت توجه به مقوله فرهنگ در نظام آموزشی

به منظور روشن‌شدن رابطه مفهومی فرهنگ، علم و فناوری با نظام آموزشی به چند تعریف در زیر اشاره می‌کنیم:

«تایلور»، فرهنگ را چنین تعریف می‌کند: «فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، تکنیک‌ها، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام

عادات و رفتار و ضوابطی است که انسان به عنوان عضو یک جامعه آن را از جامعه خود فرا می‌گیرد» (به نقل از میلز، ۱۳۸۵). با توجه به این تعریف، فرهنگ در همه شئون فرد و در کل ساخت جامعه دخالت می‌کند. متقابلاً انسان نیز با بهره‌گیری از هوش، ابداع و اختراع می‌تواند این فرهنگ را پیوسته غنی‌تر سازد و تمدن را به وجود آورد. آنچه را که تمدن می‌نامیم، (یعنی علوم و معارف و هنرهای انسانی)، در واقع همان فرهنگ است که می‌توان آن را به فرهنگ مادی (تمدن)، فرهنگ معنوی (علم، فلسفه و هنر) تقسیم کرد (میلز، ۱۳۸۵). علم، بخشی از فرهنگ و یا یکی از جلوه‌های آن است. معمولاً هر فرهنگی، به سبب ویژگی‌هایش از دیگر فرهنگ‌ها متمایز می‌شود و یکی از این وجه تمایزات را، تمایزات علمی تشکیل می‌دهد؛ گرچه علم به مفهوم صرف آن، متعلق به محدوده کشوری خاص نیست اما خواستگاه فرهنگی آن، زمینه مساعد رشد آن را نشان می‌دهد (اسمیت، ۱۳۸۳).

آموزش عالی و دانشگاه محل تلاقی سه مقوله دانش، فرهنگ و قدرت است. این نظام از یک سو فراگیران را با گفتمان‌ها و روش‌های نو، مرزهای جدید دانش و نحوه کاربرد آن در سطح جامعه درگیر می‌کند و از سوی دیگر، در تعامل با محیط داخلی و بین‌المللی به تعمیق فرهنگ گفت و گو و مدارا، کار جمعی، عمق بخشیدن به نگرش‌های علمی و فرهنگی و نظریه‌پردازی برای حل مسائل و بحران‌های اجتماعی در سطح ملی و جهانی می‌پردازد. این نهاد پیچیده علاوه بر کارکردهای خاص آموزشی، تحقیقاتی و فرهنگی به انتظام بخشی اخلاقی - اجتماعی جامعه کمک می‌کند و به عنوان هسته پیش‌تاز تحولات عمل کرده و از طریق آینده‌نگری و آینده‌سازی، تغییرات در عرصه علم و فناوری را بستر سازی کرده و با رصد نمودن تحولات اجتماعی - فرهنگی، جامعه را برای مدیریت رویدادها توانمند می‌سازد (فکوهی، ۱۳۸۲). بر مبنای این دیدگاه در ادبیات آموزش عالی، در کنار آموزش و پژوهش، رسالت‌هایی همچون پاسداری از سنن علمی، حفظ و ارتقای میراث فرهنگی و هنری، تحول در بخش‌ها و روش‌ها و بستر سازی برای پویا شدن همه‌جانبه توسعه‌گرا و هدایت جریان توسعه، آماده‌سازی فرد و جامعه برای برخورد متناسب با مسائل زندگی و تغییرات اجتماعی، تسهیل فرایند انتقال فرهنگی و جامعه‌پذیری در شمار کارکردهای دانشگاه قرار گرفته است.

فرهنگ، کلید به فعلیت رساندن خلاقیت بالقوه جامعه است و نظام آموزشی، ابزاری است که می‌تواند این استعداد بالقوه را شکل دهد و آن را در جهاتی رهبری کند که جامعه را به مطلوب‌هایش برساند. بین نظام آموزشی و فرهنگ، کشش متقابل پایداری وجود دارد، نظام آموزشی منبعث از فرهنگ است، اما چون الگوها و معانی فرهنگی، اساساً از طریق نظام آموزشی منتقل می‌شوند، عنصر فرهنگ را می‌توان معلول نظام آموزشی برشمرد؛ بنابراین، نظام آموزشی نه تنها سازوکاری طبیعی برای انتقال فرهنگ است، بلکه قدرت‌مندترین عامل برای تولید، توسعه یا تغییر فرهنگ نیز به شمار می‌رود (دانشگاه، جامعه و فرهنگ، ۱۳۸۲).

ایده‌آل‌ها و آموزه‌های بنیادین اسلامى و ارزش‌های اساسى نظام جمهورى اسلامى، تعامل گسترده و مستمر دانشگاه با جامعه، فرهنگ عمومى، نهادهای مدنى و مراکز و محیط‌های بین‌المللى، روند پرشتاب تغییرات در حوزه علم و فناوری و نیاز به تمهید ساز و کارهای لازم برای مواجهه متناسب و کم هزینه با تغییرات، تبدیل شدن دانشگاه و دانش‌آموختگان به نقطه‌های اتکا و امید جامعه برای پیشرفت و تعالی براساس چشم‌اندازهای ترسیم‌شده بیست ساله کشور، درنهایت فهم از دانشگاه به عنوان آخرین حلقه تربیت انسان‌هایی که در ابعاد شناختى، عقیدتى، مهارت‌های علمى و رشد اخلاقى- عاطفى به سطح قابل قبولی برای تصدى مدیریت‌های اجتماعى و هدایت جامعه رسیده‌اند، از ضرورت‌های توجه دانشگاه‌ها و نظام آموزش عالی ایران به مباحث فرهنگى و اجتماعى به شمار می‌رود.

بر اساس آنچه گفته شد، همبستگى کاملی میان علم، فناوری و فرهنگ جامعه وجود دارد. فرهنگ در هر جامعه همراه با ارزش‌ها و آرمان‌های اجتماعى، اساس و بنیان توسعه علم و فناوری را تشکیل می‌دهد. تا زمانى که فرهنگ مناسب و مساعد توسعه علم و دانش در جامعه ایجاد نشود، علم و دانش بازار درخورى نخواهد یافت و هیچ‌گاه راه‌گشای مشکلات بنیادى و اساسى جامعه نخواهد بود. ساخت علمى و ساخت فرهنگى دو نظام کاملاً مرتبط‌اند و هیچ یک بدون دیگری نمى‌تواند کارامدى داشته باشد؛ بنابراین، با عنایت به کارکردهای پیش گرفته و جایگاه ویژه دانشگاه در توسعه و پیشرفت کشور، در راستای راهبرد مقرر در چشم‌انداز بیست ساله نظام و دستیابى به توسعه پایدار در ابعاد مختلف اقتصادى، سیاسى، اجتماعى و فرهنگى و با توجه به اینکه دانشگاه آخرین حلقه از فرایند فرهنگ‌پذیرى، جامعه‌پذیرى و اجتماعى شدن محسوب می‌شود، نیاز به توجه بیشتر به مقوله فرهنگ در دانشگاه‌ها بیش از پیش احساس می‌شود.

مبانی سیاست‌گذارى و برنامه‌ریزى فرهنگى

بی‌شک توسعه همه‌جانبه زمانى ممکن است که مدیران ارشد یک جامعه، به توسعه در همه ابعاد اعم از فرهنگى، سیاسى، اجتماعى و اقتصادى توجه کنند. فعالیت‌های فرهنگى هنرى در صورتى توسعه می‌یابد که به گونه‌ای مفهوم فرهنگ در همه اشکال زندگى فردى و گروهى، با توجه به علائق و گرایش‌های آنان ساماندهى شده و در همین راستا از وسایل و ابزارى در جهت تشخیص نیازهای فرهنگى عموم مردم، استفاده شده باشد؛ بنابراین، ضرورت انجام مطالعاتى در جهت شناسایى و دسترسى به نیازهای آحاد ملت باید در رأس امور قرار گیرد (بخشنده، ۱۳۷۸).

اصولاً مردم با توجه به تنوع محصولات و خدماتى که در جامعه عرضه می‌شود و امکانات مالی خود دست به انتخاب می‌زنند. دسترسى به شبکه‌های توزیع از سوى گروه‌های مختلف، گسترش و تنوع محصولات و خدمات، نیازسنجى مناسب و به موقع

و اصولی موجب می‌شود، مخاطبان، گرایش به خدماتی خاص داشته باشند که در موارد ذکر شده موفق‌تر عمل کند. این اتفاق در مورد فرهنگ نیز قابل اجراء است. سیاست‌گذاری و راهبردهای استفاده‌شده در ارائه و تدوین فعالیت‌های فرهنگی می‌تواند فضایی را ایجاد کند تا هم به شکلی کاملاً سازمان‌یافته به توسعه فعالیت‌های فرهنگی هنری بپردازد و هم به تولید و گسترش محصولات فرهنگی هنری نیز کمک نماید. مطالعه سیاست فرهنگی یک کشور به معنی شناسایی اهدافی است که از سوی سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران آن کشور تعیین می‌شود تا طرح‌هایی که در این راستا بوده اجراء شود و تغییر و تحولی به وجود آید. بررسی سیاست فرهنگی یک کشور در دو مرحله انجام می‌گیرد (احمدی، ۱۳۷۰):

۱. بررسی و شناسایی عواملی که این سیاست را شکل می‌دهند، مانند در نظر گرفتن اهداف و استفاده از وسایل و منابع،

۲. بررسی و ارزیابی نتایج استفاده از روش‌ها و وسایل مختلف.

وضوح اهداف و شناسایی سیاست‌ها برای در نظر گرفتن اهداف و انتخاب درست ابزار در رسیدن به اهداف زمانی میسر می‌شود که مسئولان امر به طور دقیق انگیزه خود را برای استفاده از اهداف مد نظرشان بیان کنند که عموماً این چنین نیست و فقط زمانی عوامل اجرایی از اهداف آگاهی می‌یابند که تصمیم‌های اخذشده و انتظارات نهایی تدوین و ابلاغ می‌شود که اساساً نمی‌توان در آنها تغییر و تحولی ایجاد کرد. اغلب تصمیمات نهایی مسئولان و انتظارات مورد نظرشان که به مدیران اجرایی منتقل می‌شود، اهداف فرهنگی را کوتاه مدت در نظر می‌گیرند، اما سیاست‌گذاری فرهنگی برنامه‌ای دراز مدت است که در قالب مدیریت راهبردی میسر می‌شود و حتماً باید در نظر داشته باشیم که سیاست‌گذاری‌ها باید براساس علاقه‌مندی‌های مردم باشد تا قابلیت اجراء داشته باشد ولی چرا اهداف باید بلند مدت باشند و چرا برنامه‌ریزی باید راهبردی صورت پذیرد؟ به طور کلی برنامه‌ریزی‌های بلند مدت شرایطی دارند که به ارائه برخی از آنها می‌پردازیم:

- برنامه‌ریزی راهبردی بر چشم‌انداز یک سازمان تأثیر مهمی دارد؛
- آینده‌نگری عمیقاً مورد توجه این گونه برنامه‌ریزی‌هاست؛
- برنامه‌ریزی‌های راهبردی در پی به کارگیری بسیاری از منابع، برای رسیدن به هدف مطلوب هستند (در واقع نوعی بسیج منابع و ایجاد هماهنگی بین آنهاست)؛
- در برنامه‌ریزی‌های راهبردی ما به نتایج در قالب سطوح مختلف توجه داریم؛
- در این گونه برنامه‌ریزی‌ها سلايق و علايق گروه مخاطب باید مورد توجه قرار گیرد.

حال قبل از آنکه به مراحل برنامه‌ریزی بپردازیم، بهتر است اشاره کوتاهی هم به ویژگی‌های برنامه‌ریزی‌های بلند مدت داشته باشیم:

■ در برنامه‌ریزی‌های بلند مدت، اهداف باید مورد قبول مدیران و افرادی ذی‌نفع (افرادی که قرار است برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف مورد قبول آنها انجام پذیرد) باشد؛

■ انعطاف‌پذیری باید در برنامه‌ریزی‌های بلند مدت مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که ممکن است، رویدادهای ناگهانی برنامه را مورد تهدید قرار دهد. انعطاف‌پذیری باید در به حداقل رساندن اثرات منفی حوادث غیر مترقبه مورد توجه قرار گیرد؛

■ برنامه‌ریزی‌های بلند مدت ما را ملزم می‌کند که هدف‌ها روشن و دقیق بیان شود، این مسئله موجب می‌شود، سرمایه کمتر به هدر رود؛

■ هدف‌ها باید در این گونه از برنامه‌ریزی‌ها هم برای مدیران و هم برای گیرندگان روشن و قابل فهم بیان شوند؛

■ هدف‌ها باید قابلیت اجراء یا تحقیق‌پذیری داشته باشند، در غیر این صورت، از ارزش آنها کاسته می‌شود؛

■ هدف‌ها نباید آن قدر آرمانی و بزرگ تلقی شوند که دسترسی به آنها دور از ذهن و یا مشکل باشد و باعث ایجاد بی‌انگیزگی در کارگزاران شود.

حال که تا حدی با ویژگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی بلند مدت آشنا شدیم، می‌توانیم روند زیر را برای برنامه‌ریزی مورد توجه قرار دهیم:

■ شناسایی وضعیت موجود و پیش‌نیازها در رابطه با ایدئولوژی و آرمان‌های جامعه؛

■ برنامه‌ریزی بلند مدت براساس اهداف کلی و غایی صورت پذیرد؛

■ شناسایی و تنظیم هدف‌های کوتاه مدت و راهبردی کردن اهداف؛

■ ارائه و تدوین برنامه مورد نظر؛

■ انتخاب وسایل و ابزار مناسب به منظور اجرای برنامه؛

■ اجرای برنامه؛

■ نظارت به منظور بهبود مستمر و کنترل راهبردی؛

■ ارزشیابی؛

■ بازنگری در صورت نیاز مهندسی مجدد و بازسازی برنامه.

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی

از آنجایی که دیدگاه‌های مختلفی درباره برنامه‌ریزی فرهنگی وجود دارد و گستره فعالیت‌های فرهنگی نیز نامحدود است و ابزارهای متنوعی برای تحقق این فعالیت‌ها وجود دارد، منطقی حکم می‌کند، دیدگاه مناسبی به سمت برنامه‌ریزی فرهنگی داشته باشیم. در گذشته اعتقاد بر این بوده است که فرهنگ به دلیل ماهیت معنوی برنامه‌پذیر نیست؛ چون آن را درونی، معنوی و اخلاقی می‌پنداشتند؛ پس چگونه ممکن است یک امر معنوی و اخلاقی برنامه‌پذیر باشد اما از آنجا که ما ابزارهای فرهنگی بسیاری در

اختیار داریم باید به گونه‌ای سازماندهی شده آنها را به کار گیریم. ابزارهای فرهنگی، عموماً در دست دولت است؛ این تمرکزگرایی باعث می‌شود تا حد قابل توجهی از نیازها و علایق مردم دور شویم؛ بنابراین، شایسته است در جهت ارتباط درست و عمیق با مخاطب که برنامه‌ریزی فرهنگی برای او صورت می‌گیرد، از اندیشمندان، هنرمندان، محققان و نویسندگان در بخش‌های مختلف فرهنگی استفاده شود. فعالیت‌های اساسی فرهنگی در بخش‌ها و زمینه‌های زیر صورت می‌پذیرد (احمدی، ۱۳۷۰):

- فعالیت‌هایی در راستای حفظ میراث فرهنگی
- فعالیت‌های مطالعاتی و تحقیقاتی
- فعالیت‌های ایرانگردی
- فعالیت‌های تبلیغاتی
- فعالیت‌های هنری
- فعالیت‌های ادبی
- فعالیت‌های انتشاراتی
- فعالیت‌های سینمایی و تولیدات هنری
- فعالیت‌های عام فرهنگی مانند قرآنی و علوم دینی
- فعالیت‌های آموزشی در بخش آموزش فرهنگ و هنر

تاریخچه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی از گذشته‌های نه چندان دور به شیوه‌های مختلفی صورت می‌گرفته که غالباً فرمان حاکمان و زمامداران به ولایات تحت امرشان بخشی از برنامه‌ریزی محسوب می‌شده که البته درخواست حاکمان ولایات و مناطق مختلف درباره موضوع و یا موضوعات مبتلابه بوده و پاسخ به آنها نوعی برنامه‌ریزی به شمار می‌آمده است. به مرور زمان که جوامع گسترده‌تر شدند و فعالیت‌های مختلفی در کشورها صورت می‌گرفته و هر نوع فعالیت به سوی بودجه و جهت‌دهی براساس میزان و نوع بودجه پیش می‌رفت. با پیشرفت زمان و پیچیدگی‌هایی که در انجام امور مختلف به وجود آمد، برنامه‌ریزی درازمدت در دستور کار دولت و مؤسسات عمومی و خصوصی قرار گرفت. وجود عوامل درون‌زا و برون‌زا و تأثیر عوامل محیطی بر فعالیت، مؤسسات و شرکت‌ها را وادار به برنامه‌ریزی راهبردی کرد؛ زیرا توده مردم انتظارات بیشتری برای خدمت‌رسانی مطلوب از زمامداران جامعه داشتند. عموماً دولت‌ها از دو نوع برنامه‌ریزی استفاده می‌کردند: برنامه‌ریزی جامع و برنامه‌ریزی عملیاتی. در برنامه‌ریزی جامع به برنامه‌های کلی و عمومی پرداخته می‌شد و در برنامه‌ریزی عملیاتی به کمی کردن و خرد نگریستن توجه می‌شد. عواملی که استفاده نظام‌مند از برنامه‌ریزی را ضروری می‌سازند، عبارت‌اند از:

■ عواملی که فرهنگ و هنر و فعالیت‌های این حوزه را به شدت تحت تأثیر قرار

می‌داد؛

■ تعبیر مختلفی که در حوزه فرهنگ از فعالیت‌های فرهنگی به عمل می‌آمد؛

■ حساسیت‌هایی که در طی سالیان در این بخش به وجود آمد.

به منظور برنامه‌ریزی درست و اصولی باید کسانی که از برنامه استفاده می‌کنند، مورد توجه قرار گیرند و فهم و درک آنان از دولت به منظور اجرای درست در فعالیت‌های فرهنگی مد نظر قرار گیرد، سپس بین انتظارات اولویت‌بندی کرد. اگر بخواهیم نگاهی به تاریخچه برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران داشته باشیم باید توجه کنیم که به رغم تحولات شگرفی که در نیم قرن اخیر در کشور ما به وجود آمده، عمده‌ترین آن در بخش اقتصاد و فرهنگ بوده و البته بسیاری از این تحولات برنامه‌ریزی فرهنگی کشور را به سوی یک سیر تکاملی سوق داده است (اجلالی، ۱۳۷۹).

اولین متن مکتوب در زمینه سیاست‌گذاری فرهنگی در شورای فرهنگ عمومی در سال ۱۳۷۱ در جلسه شماره ۲۸۸ با اصلاحاتی به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید و اصول سیاست فرهنگی کشور که شامل مقدمه اهداف فرهنگی در ایران و اهداف سیاست فرهنگی و اصول سیاست فرهنگی و اولویت‌ها و سیاست کلی بوده است، به دستور امام (ره) در شورای عالی انقلاب فرهنگی که در سال ۱۳۵۹ تأسیس شده بود، تدوین شد. دومین سند مکتوب در بردارنده برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است که در سال ۱۳۷۲ به تصویب رسید. سومین سند مکتوب نیز برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است که سند فوق‌الذکر نیز در سال ۱۳۷۸ به تصویب رسید (اجلالی، ۱۳۷۹).

به طور کلی، از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تغییر و تحول بنیادی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به وجود آمد که البته در این میان تغییرات در بخش فرهنگ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و با تأسیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، اقدامات و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نظم بهتری یافت و هدف‌مند شد. تحقیقات مختلف در بخش‌های مختلف دین، اقتصاد و قدرت مورد مطالعه قرار گرفت که باعث شد مطالعات فرهنگی در کشور به شیوه علمی سر و سامان یابد. در سیاست‌گذاری فرهنگی ایران جهت‌گیری‌های مختلف وجود داشته که عموماً به دو جهت نظریه عمومی فرهنگ جهانی و کثرت فرهنگی تمایل داشته است (اجلالی، ۱۳۷۹). نظریه عمومی فرهنگ جهانی به شکل‌گیری فرهنگ جهانی اشاره دارد که سایر فرهنگ‌های بازمانده از تمدن‌های دیگر در آن حل خواهند شد و این همان فرهنگ و تمدن غربی و مدرن است. در چنین اوضاع و احوالی نگرهبانانی باید که سنت و میراث فرهنگی کشور را حفظ کنند. سنت‌های هر ملت همچون آداب و رسوم که سرنوشت هر کشور را معلوم می‌کند، باید از حل شدن در هر فرهنگ بیگانه‌ای مصون بماند که آن ملت را از سایر ملل جهان ممتاز و متمایز سازد؛ پس چنانچه بخواهیم فرهنگ کشور ما

از محو شدن و حل شدن در سایر فرهنگ‌ها مصون بماند، باید آنچه که از آداب و رسوم و سنن از نیاکان خود گرفته‌ایم، نگاه داریم؛ اما منظور از کثرت فرهنگی همان تداوم هویت‌های چندگانه فرهنگی در سطح ملی و بین‌المللی است. تجربه فرهنگی نشان داده است که دو دیدگاه فوق تجریدی هستند و هیچ فرهنگی به عنوان کلیتی یک‌پارچه نه تداوم می‌یابد و نه از بین می‌رود. فرهنگ‌ها به واسطه ارتباط اجتناب‌ناپذیری که با هم دارند، قوام و تکامل می‌یابند. شاید برداشتی که از عنوان کردن دو نگرش فوق صورت می‌گیرد، گرایش‌های فرهنگی رو به غرب یا رو به فرهنگ اسلامی محدود می‌شود و شاید به عنوان تعارض بین سنت‌گرایی فرهنگی و نوگرایی فرهنگی تعبیر شوند (اجلالی، ۱۳۷۹)، اما تهدیدهایی که مدرنیسم و فرهنگ مدرن برای مذهب و شیوه زندگی سنتی ایجاد می‌کرد زمینه خودآگاهی فرهنگی و سنتی را فراهم ساخت. بعد از سرنگونی رژیم نوساز مدرنیسم رضاشاه، توجه به احیای فرهنگ اسلامی گسترش یافت و سنت‌های مذهبی فراموش شده بار دیگر جان گرفت اما زنده نگه داشتن سنن و آداب و عادات و افکاری که در شرایط خاص از اعصار گذشته به وجود آمده جز از راه انطباق آنها با شرایط زندگی کنون و آتی امکان‌پذیر نیست. باید هدف آن باشد که ایران، همگام با حفظ موارث پر ارج از فرهنگ ملل بزرگ جهان آگاهی یافته و از آنها آنچه را که خوب و قابل انطباق با معنویات ماست و رنگ ایرانی و اسلامی دارد، برگزیند. به طور کلی رویکرد سنت‌گرایی فرهنگی شامل ابعاد زیر می‌باشد:

- تلاش در جهت ایجاد هویت فرهنگی جدید،
- افزایش سطح عفت عمومی و ترویج اخلاق و تدوین فرهنگ برحسب معیارهای سنتی،
- مبارزه با مظاهر مختلف فرهنگ غرب،
- کنترل فرهنگ از طریق رسانه‌ها و نهادهای آموزشی،
- احیای آداب و رسوم و عادات فرهنگی سنتی.

اما فرهنگ که دائماً در حال تغییر و تحول است یکی از ابزارهای سیاسی است که به جهت کنترل فرهنگ باید وجوه مختلف آن و پیچیدگی‌های آن مد نظر قرار گیرد. حال با توجه به آنچه که در خصوص تاریخچه برنامه‌ریزی گفته شد، باید اشاره کنیم که مهم‌ترین و حساس‌ترین وظیفه یک مدیر - که در سطح مدیریت ارشد و میانی مدنظر است - برنامه‌ریزی است و به منظور برنامه‌ریزی صحیح، از آنجا که هر مدیر در نظام سیاسی، اداری یک کشور در جایگاهی نظیر جایگاه اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و فرهنگی و هنری قرار می‌گیرد، بر این اساس، وظیفه برنامه‌ریزی در این حوزه‌ها از اصلی‌ترین وظایف هر مدیر است. تعبیر مختلفی از برنامه‌ریزی به عمل

1. Cultural pluralism

آمده اما در هر شرایطی و با هر دیدگاهی برنامه‌ریزی یک فن و یا یک علم است؛ زیرا در هر یک از جنبه‌های زندگی انسان وسعت و دامنه وسیعی دارد و او ناگزیر است، دست به انتخاب بزند و مطابق علایق و نیازهای خود هدف‌های مناسب را برگزیند. در بستر فرهنگی هم تعیین هدف‌های مطلوب که از عمده وظایف مدیران است؛ به دقت در تشخیص نیازهای آن جامعه بستگی دارد؛ به عبارتی، برنامه‌ریزی، طرح‌ریزی برای دستیابی به هدف معین است (احمدی، ۱۳۷۰).

پس از برنامه‌ریزی، لازم است کلیه فعالیت‌های فرهنگی در مسیر حرکت سازمانی خود به سوی هدف یا اهداف مشترک فرهنگی سوق پیدا کند و این امر میسر نخواهد شد مگر آنکه مدیران ارشد هماهنگی و انسجام فعالیت‌ها را در دستور کار خود قرار دهند. این هماهنگی و انسجام باید در کلیه امکانات، ابزارها و حمایت‌های قانونی در پیشبرد امور فرهنگی هنری جامعه در یک مسیر هماهنگ و منظم پیش رود. چنانچه اختلاف نظری در دستگاه‌های فرهنگی کشور به وجود آید، گذشته از آنکه به تکررگرایی فرهنگی منجر می‌شود موانعی نیز در راه رفتارهای اجتماعی به وجود می‌آید و نهایتاً به گسست نظام اجتماعی ختم می‌شود که البته اگر دستگاه‌های فرهنگی کشور رفتارهای متفاوتی را ترویج کنند، تضاد رفتاری نیز ترویج می‌شود.

به منظور ایجاد هماهنگی در دستگاه‌های مختلف فرهنگی تعیین راهبردی در این زمینه ضروری است. استراتژیست، کسی است که بتواند پلی بین حال و آینده به وجود آورد، با بصیرت و نگاه درست وضعیت را به خوبی تحلیل کند و برنامه‌ای متناسب با آن موقعیت خاص تدوین نماید. از آنجا که یک استراتژیست نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و محدودیت‌ها را به خوبی در یک دستگاه فرهنگی شناسایی می‌کند، در بخش فرهنگ و هنر نیز می‌تواند راهبرد لازم را در بخش‌های فوق‌الذکر اجرا کند (احمدی، ۱۳۷۰).

اصول برنامه‌ریزی فرهنگی

- شناسایی وضعیت موجود: شناخت وضعیت قبلی و فعلی فرهنگ جامعه
- شناسایی هدف‌ها: ترسیم وضعیت ایده‌آل برای وضعیت فرهنگی جامعه
- شناسایی امکانات: تعیین امکانات و محدودیت‌ها برای رسیدن به وضعیت

موجود.

به منظور ساماندهی برنامه‌های فرهنگی، توجه به سه اصل بالا ضروری است. نقد سیاست‌های کلان فرهنگی و روش‌های برنامه‌ریزی در سال‌های اخیر، موجب شده است که مدیران ارشد بخش فرهنگ و هنر به خلأها و شکاف‌های موجود در نحوه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌ها آگاه شده و سازوکارهای مناسب را برای سیاست‌گذاری فراهم آورند.

باید توجه کنیم که برنامه‌ریزی به معنی برآورد علمی نیازهای فرهنگی جامعه و امکانات موجود جامعه و تعیین اقدامات مورد نیاز برای رفع نیازهای فرهنگی در یک دوره زمانی مشخص است (فردرو، ۱۳۸۱).

راهکارهای لازم برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری

- شناسایی پیش‌نیازها؛
- جمع‌آوری اطلاعات به منظور هدف‌گذاری دقیق؛
- تدوین ضوابط لازم برای در نظر گرفتن چاره‌جویی برای هدف‌گذاری‌ها؛
- برنامه‌ریزی برای ایجاد مکانیزم‌های اجرایی در هر یک از مراحل؛
- قانون‌مند کردن و روشن ساختن هر یک از فعالیت‌ها در ایجاد سیاست‌گذاری با برنامه‌ای مدون؛
- استفاده از دیدگاه‌های کارشناسان، محققان، اندیشمندان و دانشگاهیان در سیاست‌گذاری‌ها؛
- ایجاد رقابت‌های سالم در بین برنامه‌ریزان به منظور استفاده از بهترین برنامه‌ریزی و راهکار؛
- ایجاد امکانات لازم برای برنامه‌ها؛
- کوشش در جهت به حداقل رساندن هزینه‌ها و پشتیبانی در فعالیت‌های راهبردی؛
- بررسی فناوری جدید که ظرفیت بهره‌وری را در هر یک از بخش‌ها ارتقاء بخشد؛
- تعیین فعالیت‌های هر بخش و کوشش در جهت ساده کردن فرایند آنها و حذف فعالیت‌های غیر ضروری؛
- ارزیابی هر یک از فعالیت‌ها به منظور بهبود جریان کار و استفاده بهینه از زمان و امکانات؛
- تشویق و ترغیب اندیشمندان به جهت شرکت مستمر در برنامه‌ریزی‌ها و به حداکثر رساندن حمایت آنان در برنامه‌ریزی‌ها و واگذاری برخی از فعالیت‌ها به آنها؛
- ایجاد تحرک لازم در بخش‌های مختلف فرهنگی و هنری به منظور اجرای دقیق برنامه‌ها و ایجاد یکپارچگی و انسجام در بین آنان.

نقش شوراهای فرهنگی در پیشبرد اهداف فرهنگی دانشگاه

دانشگاه را در خلأ فرهنگی نمی‌توان تصور کرد. دانشگاه از جمله نهادهایی است که در آن فرهنگ تولید و باز تولید می‌شود و خود نیز از آن تأثیر می‌پذیرد. ناهماهنگی و ناسازگاری تدریجی روندهای آموزشی با نیازهای روز افزون و متحول فراگیران فرهنگ و جامعه، یکی از زمینه‌های اصلی گسست بین جامعه و دانشگاه است که در دراز مدت به استحکام رابطه میان دانشگاه به عنوان نهادی علمی، اجتماعی، فرهنگی و جامعه لطمه وارد می‌سازد. نقش محوری فرهنگ در قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام،

محور قرار گرفتن توسعه فرهنگی، نیازهای جدید فکری و فرهنگی دانشجویان و لزوم پاسخگویی به ایشان، متمرکز شدن نظام آموزش عالی و افزایش دانشجو و افزایش سطح تعامل و تماس میان جامعه و دانشگاه، ضرورت هر چه بهتر و بیشتر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی به منظور هدایت و کنترل جریان تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه و به تبع آن در جامعه را می‌رساند. در این میان، شوراهای فرهنگی دانشگاه به عنوان بازوی فرهنگی دانشگاه و به عنوان اصلی‌ترین رکن سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در دانشگاه‌ها، جایی که کارکرد فرهنگی دانشگاه در جامعه ترسیم و تبیین می‌شود، نقش بسیار مهم و خطیری را ایفا می‌کند. این شوراها به منظور هماهنگ کردن برنامه‌های فرهنگی دانشگاه در چارچوب سیاست‌ها و ضوابط مصوب با توجه به حدود اختیارات و وظایف مراجع و نهادهای ذی‌ربط و همکاری با رئیس دانشگاه در تحقق ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی اسلام در شئون مختلف، در دانشگاه تشکیل می‌شود. از جمله وظایف این شوراها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

■ برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی برای فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در دانشگاه،

■ همکاری برای گسترش و تعمیق مبانی ارزشی، دینی، اخلاقی و انقلابی با برگزاری برنامه‌های مناسب فرهنگی و تبلیغاتی،

■ ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های دفتر نمایندگی شورای مرکزی نمایندگان مقام معظم رهبری، جهاد دانشگاهی و انجمن‌های اسلامی،

■ برنامه‌ریزی و تعیین خط‌مشی فعالیت‌های فوق‌برنامه دانشگاه با همکاری معاونت دانشجویی و فرهنگی و طرح‌های تحقیقاتی فرهنگی و سیاسی با همکاری معاونت پژوهشی و برقراری پیوند سازنده و سودمند میان استاد و دانشجو با همکاری معاونت آموزشی،

■ همکاری برای ایجاد پیوندی فعال میان حوزه و دانشگاه با برگزاری سمینارها، جلسات و برنامه‌های آموزشی مشترک،

■ برنامه‌ریزی برای گسترش مناسبت‌های دانشگاه و نهادهای فرهنگی، انقلابی و مردمی،

■ شناخت و سازماندهی نیروهای متعهد و مستعد از طریق نهادهای دانشجویی و فرهنگی و معرفی برای کمک به جامعه در مواقع اضطراری.

هدف اصلی این مطالعه، وضعیت‌سنجی و آگاهی از چگونگی تشکیل جلسه‌ها و مصوبه‌ها شورای فرهنگی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بر اساس عملکرد شورای فرهنگی در سال ۱۳۸۵ است.

روش انجام مطالعه

این مطالعه به شیوه تحلیل محتوا اجرا شده است؛ و واحد تحلیل در آن، صورت جلسات شورای فرهنگی کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور است. یافته‌های حاصل از تحلیل محتوا در قالب جداول توصیفی (فراوانی و درصد فراوانی) و نمودار ارائه شده است. برای امتیازدهی و تعیین جایگاه دانشگاه‌ها، اطلاعات دریافتی، پس از جمع‌آوری و بررسی در پنج مقوله به شرح ذیل تقسیم‌بندی شد:

۱. تعداد کل جلسات تشکیل شده،
 ۲. تعداد جلسات ماهانه تشکیل شده،
 ۳. تعداد کل مصوبات شورای فرهنگی،
 ۴. حضور ریاست دانشگاه در جلسات شورا،
 ۵. نسبت مصوبات مربوط به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی.
- در این مطالعه، توضیح وضعیت‌های تعیین شده برای هر یک از مقوله‌ها به شرح زیر است:

درخصوص وضعیت تعداد جلسات برگزار شده، با توجه به بند ۱ ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی سیاست‌های ارتقای فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها مبنی بر «تشکیل منظم جلسات ماهانه شورای فرهنگی دانشگاه‌ها با توجه به مفاد مصوبه جلسه ۴۵۴ مورخ ۳۰/۷/۷۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی و ارسال صورت جلسه آن به معاونت فرهنگی هر دستگاه» ملاک، تعداد ماه‌هایی است که در آن ماه، جلسات شورای فرهنگی تشکیل شده است؛ بنابراین، این ملاک از طریق مقوله‌های خیلی خوب، معادل ۱۱ تا ۱۲ ماه جلسه برگزار شده؛ خوب، معادل ۸ تا ۱۰ ماه جلسه برگزار شده؛ متوسط، معادل ۵ تا ۷ ماه جلسه برگزار شده؛ ضعیف، معادل ۳ تا ۴ ماه جلسه برگزار شده و در نهایت، خیلی ضعیف، معادل ۱ یا ۲ ماه جلسه برگزار شده ارزیابی می‌شود. در مورد حضور رئیس دانشگاه در جلسات نیز، با توجه به بند ۲ ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی مبنی بر «التزام عملی ریاست دانشگاه به حضور در کلیه جلسات شورای فرهنگی» ملاک ارزیابی، عیناً مانند ملاک ارزیابی تعداد جلسات تشکیل شده می‌باشد. در مورد کیفیت مصوبات شوراها، ملاک ارزیابی، نسبت تعداد مصوبات مربوط به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی به کل مصوبات شورای فرهنگی، در نظر گرفته شده است. بر همین اساس، نسبت مصوبات مربوط به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی به کل مصوبات هر شورا جداگانه محاسبه شد و این نسبت در سه مقوله خوب (۳۳ درصد بالا)، متوسط (۳۳ درصد وسط) و ضعیف (۳۳ درصد پایین)، طبقه‌بندی شدند. این مقوله‌ها، میزان توجه شوراها را به مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه آنها که همان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی است، نشان می‌دهد.

با توجه به گسترده بودن مصوبات شوراها، دانشگاه‌ها و در جهت دستیابی به اطلاعاتی جامع و کامل نسبت به کمیت و کیفیت عملکرد شوراها در توجه به

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی همچنین توجه به جنبه‌های مختلف فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها، کلیه مصوبات موجود در گزارش‌های دریافتی از دانشگاه‌ها در ۱۶ مقوله به شرح ذیل طبقه‌بندی شدند:

۱. مصوبات مرتبط با انجمن‌های علمی،
۲. مصوبات مرتبط با کانون‌های فرهنگی،
۳. مصوبات مرتبط با نشریات دانشجویی،
۴. مصوبات مرتبط با تشکل‌های اسلامی و دانشجویی،
۵. امور مربوط به اردوها و بازدیدها،
۶. مصوبات مربوط به مراسم مذهبی و جشن‌ها،
۷. سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی فرهنگی،
۸. تشکیل ستادها و کانون‌های فرهنگی،
۹. مصوبات مربوط به بودجه‌های فرهنگی،
۱۰. مصوبات مربوط به عفاف و حجاب،
۱۱. مصوبات مربوط به نماز،
۱۲. مصوبات مربوط به کارگاه‌ها، کلاس‌های آموزشی و نمایشگاه،
۱۳. امور مربوط به انتصاب‌ها در حوزه فرهنگی،
۱۴. جشن‌های فارغ‌التحصیلی،
۱۵. بزرگ‌داشت‌ها، همایش‌ها و مسابقات،
۱۶. سایر.

نتایج

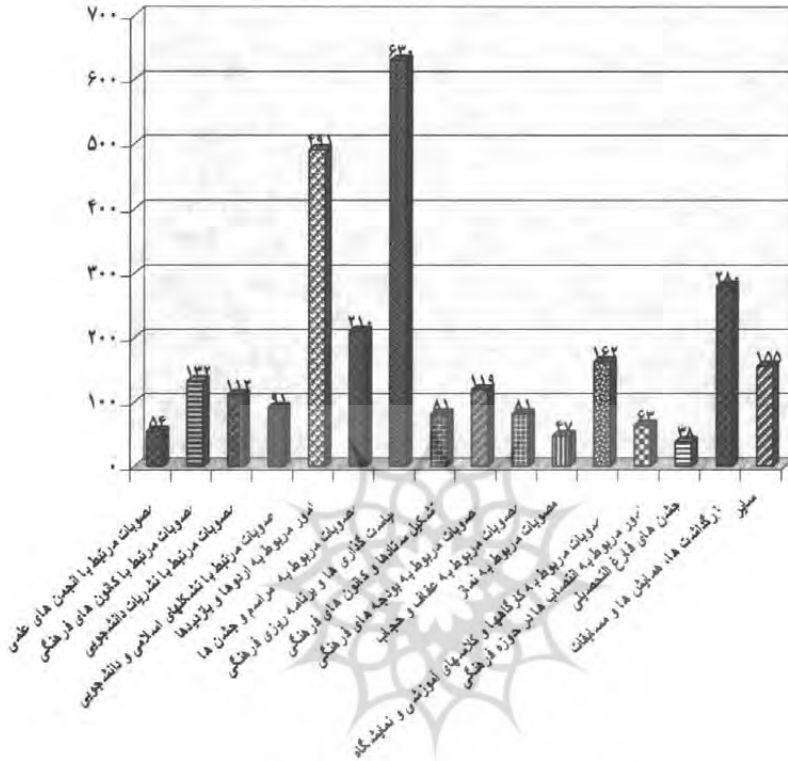
نتایج بررسی جلسات و مصوبات شوراهای فرهنگی در قالب جداول توصیفی شرح داده می‌باشد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول (۱) وضعیت مصوبات شورای فرهنگی دانشگاه‌ها در سال ۸۵

مصوبات	شاخص	تعداد	درصد
مصوبات مرتبط با انجمن‌های علمی		۵۴	۱/۹۶
مصوبات مرتبط با کانون‌های فرهنگی		۱۳۲	۴/۸
مصوبات مرتبط با نشریات دانشجویی		۱۱۲	۴/۰۷
مصوبات مرتبط با تشکل‌های اسلامی و دانشجویی		۹۱	۳/۳۱
امور مربوط به اردوها و بازدیدها		۴۹۱	۱۷/۹
مصوبات مربوط به مراسم مذهبی و جشن‌ها		۲۱۰	۷/۶۴
سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی فرهنگی		۶۳۰	۲۳
تشکیل ستادها و کانون‌های فرهنگی		۸۱	۲/۹۴
مصوبات مربوط به بودجه‌های فرهنگی		۱۱۹	۴/۳۳
مصوبات مربوط به عفاف و حجاب		۸۱	۲/۹۴
مصوبات مربوط به نماز		۴۷	۱/۷
مصوبات مربوط به کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی و نمایشگاه		۱۶۲	۵/۸۹
امور مربوط به انتصاب‌ها در حوزه فرهنگی		۶۳	۲/۳
جشن‌های فارغ‌التحصیلی		۳۸	۱/۳۸
بزرگداشت‌ها، همایش‌ها و مسابقات		۲۸۰	۱۰/۲
سایر		۱۵۵	۵/۶۴
جمع		۲۷۴۶	۱۰۰

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بیشترین مصوبات دانشگاه‌ها مربوط به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی (۶۳۰ مصوبه) می‌باشد. که از این حیث ۲۳ درصد از کل مصوبات را به خود اختصاص داده است. بعد از آن امور مربوط به اردوها و بازدیدها با ۱۷/۹ درصد و مصوبات مربوط به بزرگداشت‌ها، همایش‌ها و مسابقات با ۱۰/۲ درصد رتبه‌های دوم و سوم را دارا می‌باشند. جشن‌های فارغ‌التحصیلی و ستاد اقامه نماز به ترتیب با ۱/۳۸ و ۱/۷ درصد، کمترین مصوبات را در شوراهای فرهنگی دانشگاه‌ها به خود اختصاص داده‌اند.



نمودار (۱) نمایش مصوبات شورای فرهنگی دانشگاه ها در سال ۸۵

پرتال جامع علوم انسانی

جدول (٢) وضعیت تشکیل جلسات شورای فرهنگی دانشگاه‌ها سال ١٣٨٥

شورا دانشگاه	جلسات ماهانه	تعداد جلسات شورا	وضعیت جلسات	حضور رئیس دانشگاه	تعداد مصوبات	وضعیت مصوبات
ارومیه	٨	١٥	خوب	٥	٨٨	ضعیف
اصفهان	٤	٥	ضعیف	٤	٢٦	ضعیف
سمنان	٨	٩	خوب	٨	٢٢	متوسط
تهران	٩	٩	خوب	٩	١٩	خوب
خلیج فارس	٥	٨	متوسط	٥	٢٧	ضعیف
صنعتی شاهرود	١٠	١٢	خوب	١٠	٥٩	ضعیف
امور اقتصادی	٤	٥	ضعیف	٤	٢٨	متوسط
شهید بهشتی	١١	١٦	خیلی خوب	٦	٣٦	ضعیف
تربیت معلم	٣	٦	ضعیف	٣	٥٩	ضعیف
چمران اهواز	٤	٥	ضعیف	٤	١٥	متوسط
رازی	٥	٥	متوسط	٥	٢٥	ضعیف
علوم پایه دامغان	٨	٩	خوب	٨	٣٥	ضعیف
گرگان	٦	٦	متوسط	٦	٢١	متوسط
یاسوج	٨	٧	خوب	٨	٥٢	ضعیف
علم و صنعت	٨	١٣	خوب	٦	٦٧	متوسط
تفرش	٧	١٤	متوسط	٧	٥١	ضعیف
محقق اردبیلی	٤	١٦	ضعیف	٤	٥٨	ضعیف
خواجه نصیر	٩	١٤	خوب	٩	٣٤	ضعیف
ایلام	٥	١١	متوسط	٥	٢٣	ضعیف
صنعتی شریف	١٠	١١	خوب	١٠	٢٧	ضعیف
هنر اصفهان	١٠	١١	خوب	٨	٩٠	ضعیف
بیرجند	١٠	١٣	خوب	٩	٧٩	ضعیف
هنر	٩	١٥	خوب	٩	٨٩	متوسط
اراک	٩	١٤	خوب	٩	٨٦	ضعیف
سیستان و بلوچستان	٣	٦	ضعیف	٣	٤٠	ضعیف

ادامه جدول (۲)

شورا دانشگاه	جلسات	تعداد جلسات ماهانه	تعداد کل جلسات شورا	وضعیت جلسات	حضور رئیس دانشگاه	تعداد مصوبات	وضعیت مصوبات
زنجان	۸	۸	۱۱	خوب	۸	۴۰	ضعیف
ملایر	۴	۴	۶	ضعیف	۴	۴۸	ضعیف
کاشان	۷	۷	۱۲	متوسط	۷	۶۹	ضعیف
جامع علمی-کابردی	۳	۳	۳	ضعیف	۳	۱۶	خوب
هنر اسلامی تبریز	۱۰	۱۰	۱۰	خوب	۹	۳۹	ضعیف
الزهرا(س)	۵	۵	۵	متوسط	۵	۲۴	متوسط
شهرکرد	۵	۵	۶	متوسط	۵	۲۲	متوسط
شیراز	۱۰	۱۰	۱۹	خوب	۱۰	۷۹	متوسط
پیام نور	۷	۷	۷	متوسط	۶	۱۱۱	متوسط
هرمزگان	۳	۳	۳	ضعیف	۳	۲۳	ضعیف
کردستان	۱۰	۱۰	۱۴	خوب	۹	۱۰۲	ضعیف
صنعتی اصفهان	۱۱	۱۱	۱۵	خیلی خوب	۱۱	۶۶	متوسط
کشاورزی رامین	۴	۴	۶	ضعیف	۴	۳۰	متوسط
تربیت معلم سبزوار	۵	۵	۷	متوسط	۵	۳۸	متوسط
ولی عصر رفسنجان	۶	۶	۱۳	متوسط	۶	۱۳۶	ضعیف
آموزش عالی مراغه	۵	۵	۵	متوسط	۵	۳۲	ضعیف
مازندران	۷	۷	۱۲	متوسط	۷	۲۶	ضعیف
تبریز	۶	۶	۱۲	متوسط	۶	۱۴۲	ضعیف
تربیت معلم آذربایجان	۶	۶	۶	متوسط	۵	۸	متوسط
علوم دریایی چابهار	۸	۸	۱۳	خوب	۸	۸۱	ضعیف
امام خمینی (ره)	۱۰	۱۰	۱۱	خوب	۱۰	۶۶	ضعیف
صنعتی سهند	۷	۷	۷	متوسط	۷	۴۹	متوسط
فردوسی مشهد	۸	۸	۱۳	خوب	۸	۳۴	متوسط
لرستان	۶	۶	۸	متوسط	۶	۲۲	متوسط
یزد	۸	۸	۸	خوب	۸	۶۴	ضعیف

ادامه جدول (۲)

شورا دانشگاه	جلسات	تعداد جلسات ماهانه	تعداد کل جلسات شورا	وضعیت جلسات	حضور رئیس دانشگاه	تعداد مصوبات	وضعیت مصوبات
صنعتی شیراز	۱۱	۱۱	۱۱	خیلی خوب	۱۰	۲۸	ضعیف
بجنورد	۴	۴	۴	ضعیف	۴	۲۱	ضعیف
زابل	۳	۳	۵	ضعیف	۳	۴۸	ضعیف
باهنر کرمان	۴	۴	۴	ضعیف	۴	۱۸	خوب
تربیت مدرس	۵	۵	۹	متوسط	؟	۱۰	متوسط
امیرکبیر	۵	۵	۵	متوسط	۵	۱۶	متوسط
علامه طباطبایی	۲	۲	۳	خیلی ضعیف	۲	۸	ضعیف
قم	۳	۳	۳	ضعیف	۳	۳۴	ضعیف
گیلان	۴	۴	۵	ضعیف	۴	۴۰	ضعیف
جمع کل						۲۷۴۶	

همان گونه که ملاحظه می شود دانشگاه های شهید بهشتی، دانشگاه صنعتی شیراز و دانشگاه صنعتی اصفهان با برگزاری ۱۱ جلسه در هر ماه از نظر کمی حائز رتبه اول هستند و از نظر کیفی در مقوله خیلی خوب قرار گرفته اند. بر همین اساس، دانشگاه های بجنورد، شهید باهنر کرمان، کشاورزی رامین، ملایر، محقق اردبیلی، اصفهان، شهید چمران اهواز، گیلان و دانشکده امور اقتصادی با ۴ جلسه ماهانه برگزار شده و دانشگاه های تربیت معلم، هرمزگان، زابل، قم، سیستان و بلوچستان و جامع علمی-کاربردی با سه جلسه ماهانه برگزار شده، در مقوله ضعیف و دانشگاه علامه طباطبایی با برگزاری تنها دو جلسه ماهانه در طول سال ۸۵ در مقوله خیلی ضعیف قرار گرفته و رتبه آخر را در بین دانشگاه ها به خود اختصاص داده اند.

در مورد وضعیت مصوبات، همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، ملاک ارزیابی، نسبت تعداد مصوبات مربوط به سیاست گذاری و برنامه ریزی فرهنگی به تعداد کل مصوبات می باشد. این نسبت به سه مقوله خوب (۳۳٪ بالا) متوسط (۳۳٪ وسط) و ضعیف (۳۳٪ پایین) طبقه بندی شده است. بر همین اساس دانشگاه های تهران، جامع علمی-کاربردی و شهید باهنر کرمان در مقوله خوب ارزیابی شدند و دانشگاه های تربیت مدرس، امیرکبیر، لرستان، فردوسی، صنعتی سهند، تربیت معلم آذربایجان، تربیت معلم سبزوار، کشاورزی رامین، صنعتی اصفهان، پیام نور، شیراز، شهرکرد، الزهرا (س)، هنر، علم و صنعت، گرگان، شهید چمران، سمنان و دانشکده امور اقتصادی در مقوله متوسط و بقیه دانشگاه ها در مقوله ضعیف ارزیابی شدند.

در مورد تعداد کل مصوبات نیز دانشگاه تبریز با ۱۴۲ مصوبه، دانشگاه ولی عصر رفسنجان با ۱۳۶ مصوبه، دانشگاه پیام نور با ۱۱۱ مصوبه، دانشگاه کردستان با ۱۰۲

مصوبه و دانشگاه هنر اصفهان با ۹۰ مصوبه به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم را به خود اختصاص داده‌اند. دانشگاه تربیت معلم تهران و دانشگاه علامه طباطبایی با ۸ مصوبه، رتبه آخر را در بین دانشگاه‌ها کسب کرده‌اند.

در مورد تعداد کل جلسات نیز دانشگاه شیراز با ۱۹ جلسه در مکان اول و دانشگاه‌های جامع علمی-کاربردی، هرمزگان، علامه طباطبایی و قم هرکدام با سه جلسه مکان آخر را در بین دانشگاه‌ها به خود اختصاص داده‌اند.

جدول (۳) رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بر اساس عملکرد کلی شورای فرهنگی

رتبه	دانشگاه	امتیاز	رتبه	دانشگاه	امتیاز
۱	صنعتی اصفهان	۲۷۴	۲۰	صنعتی شیراز	۱۹۹
۲	شیراز	۲۷۳	۲۱	یزد	۱۹۹
۳	هنر	۲۶۰	۲۲	گرگان	۱۸۹
۴	علم و صنعت	۲۵۸	۲۲	لرستان	۱۸۹
۵	هنر اصفهان	۲۳۸	۲۳	الزهرا (س)	۱۸۵
۶	پیام نور	۲۳۲	۲۳	زنجان	۱۸۵
۶	کردستان	۲۳۲	۲۴	شهرکرد	۱۸۳
۷	صنعتی شاهرود	۲۲۹	۲۴	تربیت معلم	۱۸۳
۸	ولی عصر (عج) رفسنجان	۲۲۸	۲۵	ملایر	۱۸۲
۸	فردوسی مشهد	۲۲۸	۲۵	گیلان	۱۸۲
۸	تفرش	۲۲۸	۲۶	امور اقتصادی	۱۷۸
۹	ارومیه	۲۲۶	۲۷	زابل	۱۷۶
۹	اراک	۲۲۶	۲۸	تربیت معلم اذربایجان	۱۷۵
۱۰	تبریز	۲۲۳	۲۸	امیرکبیر	۱۷۵
۱۱	علوم دریایی چابهار	۲۲۰	۲۹	شهید باهنر کرمان	۱۷۳
۱۱	بیرجند	۲۲۰	۲۹	آموزش عالی مراغه	۱۷۳
۱۲	امام خمینی (ره)	۲۱۸	۳۰	جامع علمی کاربردی	۱۶۹
۱۲	شهید بهشتی	۲۱۸	۳۰	رازی	۱۶۹
۱۳	صنعتی سهند	۲۱۷	۳۱	خلیج فارس	۱۶۷
۱۴	کاشان	۲۱۱	۳۲	چمران اهواز	۱۶۰
۱۵	تهران	۲۱۰	۳۲	ایلام	۱۶۰
۱۵	صنعتی شریف	۲۱۰	۳۳	اصفهان	۱۵۶
۱۵	تربیت معلم سبزوار	۲۱۰	۳۳	سیستان و بلوچستان	۱۵۶
۱۶	خواجه نصیر	۲۰۹	۳۴	بجنورد	۱۵۳
۱۶	مازندران	۲۰۹	۳۵	قم	۱۵۰
۱۷	علوم پایه دامغان	۲۰۷	۳۶	تربیت مدرس	۱۴۲
۱۷	محقق اردبیلی	۲۰۷	۳۷	علامه طباطبایی	۱۳۳
۱۸	سمنان	۲۰۱	۳۸	هنر اسلامی تبریز	۱۲۶
۱۹	کشاورزی رامین	۲۰۰	۳۹	هرمزگان	۱۲۵
۱۹	یاسوج	۲۰۰			

همان‌طور که در جدول (۳) ملاحظه می‌شود، پس از جمع‌آوری و بررسی اطلاعات دریافتی از دانشگاه‌ها، عملکرد شوراهای فرهنگی از لحاظ تعداد کل مصوبات، تعداد کل جلسات برگزار شده، تعداد جلسات ماهانه برگزار شده، حضور رئیس دانشگاه در جلسات و نسبت مصوبات مربوط به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی به کل مصوبات، مورد بررسی قرار گرفت و امتیاز هر دانشگاه در این ملاک‌ها جداگانه محاسبه شد که با جمع این امتیازها رتبه و امتیاز هر دانشگاه به شرح جدول (۳) مشخص شده است. بر این اساس پنج دانشگاه برتر در زمینه عملکرد کلی شورای فرهنگی مشخص شد که به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. دانشگاه صنعتی اصفهان (با ۲۷۴ امتیاز)،
۲. دانشگاه شیراز (با ۲۷۳ امتیاز)،
۳. دانشگاه هنر (با ۲۶۰ امتیاز)،
۴. دانشگاه علم و صنعت (با ۲۵۸ امتیاز)،
۵. دانشگاه هنر اصفهان (با ۲۳۸ امتیاز).

نتیجه‌گیری

دانشگاه‌های کشور به عنوان یکی از اساسی‌ترین و حساس‌ترین مراکز فرهنگی و سیاسی جامعه، همواره در کانون توجه سیاست‌گذاری نظام قرار داشته‌اند. تحولات روز افزون کشور و انعکاس سریع و مستقیم آنها در محیط‌های دانشگاهی ایجاب می‌کند که علاوه بر بازنگری در سیاست‌های گذشته و توصیف وضع موجود، راهبردهای جدیدی متناسب با وضعیت فعلی دانشگاه‌ها و جامعه تبیین شود. با توجه به اهمیتی که دانشگاه در تولید و نهادینه کردن بسیاری از قواعد و هنجارها دارد، توجه به فرایندهای ایجاد این قواعد و هنجارها و تبیین نظام فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. آنچه که به عنوان وظیفه اصلی شورای فرهنگی در آیین‌نامه این شورا آورده شده است، همان برنامه‌ریزی فرهنگی، تعیین خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری فعالیت‌های فرهنگی است. با نگاهی به وضعیت مصوبات شورای فرهنگی دانشگاه‌ها این نکته مشخص می‌شود که تنها ۲۳ درصد از مصوبات شوراها به این امر اختصاص یافته است و مابقی مصوبات، به اموری همچون اردوها و مسائل اجرایی آن معطوف شده است:

- برگزاری منظم جلسات ماهانه شورا،
- حضور منظم، مستمر و فعالانه رئیس دانشگاه به عنوان رئیس شورا و در جلسات شورا،
- تلاش در جهت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی بر اساس شرح وظایف شورا، آرمان‌های دانشگاه تمدن‌ساز و راهبردها و سیاست‌های اسلامی شدن دانشگاه‌ها،
- به کارگیری کارشناسان متخصص و مجرب در حوزه فرهنگی دانشگاه،

■ مشارکت هرچه بیشتر و بهتر و فعال دانشجویان و استادان و تشویق آنان در فعالیت‌های فرهنگی،

■ توانمندسازی کارکنان فرهنگی از طریق ارائه آموزش‌های فرهنگی لازم به آنها، می‌تواند در تقویت و کارآمدسازی و پررنگ و برجسته کردن نقش شوراهای در تحقق اهداف فرهنگی دانشگاه‌ها نقش مهم و مؤثری داشته باشد.

این نکته نیز شایان توجه فراوان است که برنامه‌ریزی فرهنگی و کارآمد تنها راه خروج از دایره سخن و حرکت جدی در مسیر تحقق مقاصد فرهنگی است. دانشگاه، جایگاه تربیت انسان و خاستگاه تمدن‌سازی است. تربیت انسان، مقوله‌ای است که بدون تحقق فرهنگ در محیط‌پویای دانشگاه پیش نمی‌رود و تحقق فرهنگ را جز با یک برنامه‌ریزی دقیق و مدون فرهنگی نمی‌توان تصور کرد. یکی از مسائل و مشکلاتی که دانشگاه‌ها در زمینه‌های فرهنگی با آن روبه‌رو هستند، نبود برنامه‌ریزی منسجم و متناسب با سیاست‌های کلی فرهنگی در این زمینه می‌باشد. اندکی تأمل در این خصوص و با توجه به اهمیت مقوله فرهنگ در دانشگاه‌ها به عنوان یکی از ارکان اصلی و مهم جامعه در تولید و اشاعه آن، تقویت و افزایش کارآمدی شورای فرهنگی و برنامه‌ریزی دقیق متناسب با نیازهای جامعه، می‌تواند نقطه عطفی باشد تا بیش از پیش آرمان‌های دانشگاه تمدن‌ساز را محقق سازد و تحولی عظیم در سیر جامعه به سوی تعالی و کمال ایجاد کند.

منابع

- اجلالی، پرویز (۱۳۷۹). سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران. تهران: انتشارات آن.
- احمدی، حسن (۱۳۷۰). روش برنامه‌ریزی در بخش فرهنگ. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- اسمیت، فلیپ (۱۳۸۳). درآمدی بر نظریه فرهنگی. ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بخشنده، فرهاد (۱۳۷۸). اصول طراحی برنامه‌های فرهنگی. تهران: انتشارات علی‌ابن ابی‌طالب.
- پژوهشنامه برنامه‌ریزی فرهنگی در دانشگاه‌ها (۱۳۸۶). تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- دانشگاه، جامعه و فرهنگ: گزارش شورای فرهنگی و اجتماعی (۱۳۸۲). تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- فردرو، محسن (۱۳۸۱). سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی. مجله فرهنگ عمومی، شماره ۳۳.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۲). فرهنگ و زبان، ضمیمه درآمدی بر انسان‌شناسی. تهران: نشر نی.
- کوش، دنی (۱۳۸۱). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی. ترجمه فریدون وحید، تهران: انتشارات سروش.
- میلز، آندرو و برایت، جف (۱۳۸۵). درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر. ترجمه جمال محمدی.
- یعنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی توسعه دانشگاهی. تهران: انتشارات شهید بهشتی.